

روایت چهاردهم

مدرسه‌ای در میدان روایت

به کوشش: جمعی از همکاران محترم دبستان شهید ندافیان

دبستان شهید ندافیان / انار / کرمان

مجریان طرح: سرکار خانم ها فاطمه غیاثی، سکینه صفری پور، عصمت پروا ینده، زهرا حسینی نوه، فاطمه چاهخویی، حکیمه پورجعفری، عذری صالحی، فاطمه پورعباس، اکرم نبی زاده، زهرا کهنسال، نجمه شیبانی، اکرم اسدی مقدم، محدثه مختاری و اکرم مصطفوی

اهمیت و چرایی اجرای طرح

ضرورت اجتماعی و رسانه ای

در عصر جنگ روایتها و بمباران خبری، یکی از ضعف های جدی نسل نوجوان، ناتوانی در تحلیل اخبار و تشخیص ادعا از واقعیت است. بازی هفت سنگ به صورت نمادین، دانش آموز را در موقعیت بررسی ادعاهای دشمن، تحلیل شواهد و رسیدن به نتیجه قرار میدهد.

این رویکرد تمرینی عملی برای سواد رسانه ای، تفکر انتقادی و مسئولیت پذیری فکری است؛ مهارتهایی که از ضروری ترین نیازهای تربیتی امروز جامعه محسوب میشوند.

پیوند گذشته، حال و آینده (معنای طرح)

معنای اصلی این پروژه در پیوند هوشمندانه سه مقطع زمانی نهفته است:

۱. گذشته: نمایش فضای اختناق و محدودیت پیش از انقلاب؛

۲. حال: درک امنیت و مقاومت امروز به عنوان نتیجه آن گذشته؛

۳. آینده: تربیت نسلی آگاه که بتواند در برابر تحریف، فریب و فشار ایستادگی کند.

اجرای بخش پایانی توسط یکی از همکاران محترم، و بیان گوشه ای از دستاوردهای عظیم انقلاب اسلامی بر نقش نیروهای امنیتی و فداکاری سربازان ایران تأکید داشت، این پیوند را تکمیل کرد و به مخاطب یادآور شد که امنیت امروز، نتیجه هزینه ها و ایستادگی های دیروز است، نه امری بدیهی و رایگان.

ضرورت اجرای مدرسه محور

این طرح نشان داد که مدرسه، حتی در یک شهر کوچک و منطقه کم برخوردار، می تواند کانون تولید محتوای عمیق، خلاق و اثرگذار باشد. مشارکت معلمان، دانش آموزان و همکاران آموزشی در طراحی و اجرای این پروژه، نمونه ای عملی از تربیت مشارکتی و مسئولانه است؛ الگویی که میتواند

در سایر مدارس نیز اجرا شود.

هدف کلی

هدف اصلی این برنامه آن بود که دانش‌آموزان دختر با نگاهی عمیق‌تر، آنچه تاکنون آموخته‌اند را درک و تحلیل کنند. در گام نخست، با به تصویر کشیدن فضای خفقان‌آلود دوران پیش از انقلاب اسلامی، زمینه‌ای فراهم شد تا دانش‌آموزان نسبت به ارزش‌های انقلاب و تفاوت‌های بنیادین آن با گذشته آگاه‌تر شوند. سپس با یادآوری این نکته که نسل امروز ادامه‌دهنده راه همان نسل انقلابی است و در سال‌های اخیر نه تنها از قدرت و پیشرفت کاسته نشده، بلکه بر آن افزوده شده است، پیوندی معنادار میان گذشته و حال برقرار گردیده است. در ادامه، با ورود نمادین دشمن و طرح ادعاهایش، تلاش شد تا مفهوم «جنگ روایت‌ها» به‌صورت ملموس برای دانش‌آموزان به نمایش درآید؛ تا دریابند که هر ادعایی را نباید بی‌درنگ پذیرفت، بلکه باید با دقت بررسی و تحلیل کرد و سپس به نتیجه رسید. در نهایت، هدف آن بود که دانش‌آموزان به این باور برسند که ایران امروز در حوزه‌های گوناگون علمی، فرهنگی، اقتصادی، دفاعی و اجتماعی رشد کرده و قدرتمندتر از گذشته است.

برای اثبات این رشد، هفت حوزه از دستاوردهای ملی به نمایش گذاشته شد. اما تأکید اصلی بر این نکته بود که تمامی این دستاوردها در سایه امنیت پایدار کشور حاصل شده‌اند؛ و اگر امنیت وجود نداشت، نه پیشرفتی ممکن بود و نه فرصتی برای روایت آن. به همین منظور، برای نمایش اهمیت امنیت، از نماد پارچه‌ای استفاده شد که با کشیده شدن آن، تمامی جعبه‌ها فرو ریختند و این پیام به‌صورت نمادین منتقل شد که امنیت ستون اصلی همه دستاوردهاست.

در ادامه مراحل این برنامه تربیتی، به تفکیک و با بیان جزییات خواهد آمد.

مرحله اول: نمایشگاه

بخش ورودی: بازسازی فضای خفقان و کنترل ساواک

هدف

هدف از طراحی ورودی مدرسه با حضور نمادین نیروهای ساواک، ایجاد تجربه‌ی حسی از فضای اختناق پیش از انقلاب بود؛ به‌گونه‌ای که مخاطب، خفقان را فقط نشنود، بلکه آن را احساس کند. درک کند که ورود به یک فضای آموزشی یا اجتماعی نیز نیازمند اجازه، کنترل و بازخواست بوده است،

بفهمد چرا مردم برای آزادی بیان و نفس کشیدن قیام کردند.
این بخش، مقدمه ی ذهنی و احساسی ورود به کل روایت نمایشگاه بود.

نتیجه تربیتی

در پایان این بخش، مخاطب- به ویژه دانش آموز- به این فهم اولیه رسید که:
آزادی بیان و حرکت، در دوره پیش از انقلاب بدیهی نبوده است. حتی «وارد شدن» می توانست با ترس و تهدید همراه باشد. خفقان، یک مفهوم تاریخی خشک نیست، بلکه یک تجربه انسانی است. این بخش ذهن مخاطب را برای درک غرفه ها، روایت ها و مراحل بعدی آماده کرد و زمینه ی همدلی با چرایی انقلاب اسلامی را فراهم ساخت.





غرفه

اول: تلویزیون فقط یک صدا

هدف

آشنایی دانش آموزان با مفهوم سانسور و کنترل اطلاعات در رسانه ملی (رادیو و تلویزیون) پیش از انقلاب اسلامی و درک این نکته که مردم تنها تصاویر و اخبار تحریف شده یا یک طرفه را می دیدند و صدای اعتراض، انتقاد و مشکلات واقعی جامعه پخش نمی شد. تقویت تفکر انتقادی درباره رسانه و درک ارزش آزادی بیان و تنوع خبری در جامعه.

نتیجه

این سوال دانش آموزان را به همزاد پنداری تاریخی دعوت می کند. آنها را وادار میکند تا خود را به جای نسل گذشته بگذارند و احساس محرومیت از اطلاعات واقعی را درک کنند و اینکه رسانه آن زمان وسیله سانسور و جهت دهی به افکار بوده است. اینکه صدای کسی شنیده نشود باعث پنهان ماندن درد و مشکلات مردم بوده است. آزادی بیان یکی از دستاوردهای مهم انقلاب است.





غرفه دوم: کتاب های ممنوعه

هدف

آشناکردن دانش آموزان با مفهوم سانسور و کتابهای ممنوعه در دوره پهلوی.
نشان دادن این که حکومتها میتوانند بر آنچه مردم میخوانند و باور میکنند تأثیر بگذارند.
تقویت تفکر انتقادی در بچه ها، چرا باید اجازه داشته باشیم آزادانه فکر کنیم و انتخاب کنیم. ایجاد یک تجربه ملموس و جذاب که بچه ها بتوانند با دیدن نمونه ها، تاریخ را بهتر لمس کنند.

نتیجه

بچه ها متوجه شدند فضای امنیتی و سانسور گسترده ی رژیم پهلوی هر کتاب یا نوشته ای را که با سیاست هایش مغایرت داشت کتب مضره می نامید و از انتشار آن جلوگیری میکرد. حتی داشتن چنین کتاب هایی جرم محسوب میشد.

غرفه سوم: سانسور

هدف

آشناکردن دانش آموز با این واقعیت که حتی فکر کردن و حرف زدن درباره بعضی مفاهیم ساده می توانست جرم باشد. درک این نکته که سرکوب فقط زندان و شکنجه نبود؛ از زبان شروع میشد. ایجاد حس ترس کنترل شده: اینکه بفهمد گفتن یک کلمه چطور میتوانست آینده یک آدم را نابود کند.

نتیجه

بازدیدکننده متوجه میشود که سانسور فقط حذف خبر نیست؛ حذف زبان است.
دانش‌آموز درمی‌یابد که آزادی بیان، یک مفهوم انتزاعی نیست؛ چیزی است که نسل قبل بابتش جان داده است.

غرفه چهارم: نوجوانان شهید

هدف

آشنایی نسل جدید با شهدای انقلاب بخصوص شهدایی که اسمشان زینت بخش مدارس شهرستان شده است. تفهیم این مفهوم به نوجوانان عصر حاضر بود که بدانند، حکومت ظالم زمان شاه هیچ جایگاهی حتی بین نسل نوجوان و جوان نداشته.

نتیجه





هدف نهایی این غرفه بیان این حقیقت است که دلهای نوجوانان برای پذیرش خوبی و حقیقت آماده تر است. سرمایه واقعی هر کشوری جوانان و نوجوانان آن کشورند. همچنین آشنایی نسل حاضر با کارهای بزرگی که فقط نوجوان آن دوران انجام دادند و افزایش حس همدلی و عشق به وطن و ماندن پای آرمان‌های انقلابی که با خون امثال این نوجوانان کم سن زنده شد و بالید.




غرفه آخر: اتحاد و آزادی

هدف

جمع بندی مسیر غرفه ها و رساندن دانش آموز به این فهم که اتحاد مردم، شرط شنیده شدن صدای حق و رسیدن به آزادی است. تبدیل مفهوم انتزاعی «اتحاد» به یک تجربه مشارکتی و شخصی برای هر دانش آموز.

نتیجه

دانش آموزان و مهمانان با یک کنش ساده (زدن اثر انگشت)، عضو یک جمع بزرگتر می شوند. تابلو به صورت عینی نشان میدهد که:

یک نقطه به تنهایی دیده نمیشود اما کنار بقیه، معنا پیدا می کند.

این غرفه پیام نهایی کل مسیر را تثبیت می کند: آزادی بدون اتحاد ماندگار نیست و اتحاد بدون مشارکت شکل نمی گیرد. این غرفه، پایان احساسی و فکری پروژه است و دانش آموز را با یک تصویر ماندگار از «ما بودن» از فضا خارج می کند.





مرحله دوم: بازی هفت سنگ

در بخش نخست نمایشگاه، دانش آموزان با فضای خفقان آلود دوران پیش از انقلاب اسلامی، رشادت های جوانان و اتحاد مردم در روزهای پیروزی آشنا شدند؛ تا درک کنند که آزادی و عزت امروز، حاصل ایستادگی و فداکاری نسل های گذشته است.

اکنون با عبور از آن دوران و ورود به مرحله دوم، پلی زده ایم به جنگ روایت ها؛ جایی که دشمن با ابزار رسانه و ادعاهای گوناگون تلاش می کند حقیقت را تحریف کند. در این بخش، با طراحی یک بازی هدفمند، فرصتی فراهم شده تا دانش آموزان خود شان روایتها را بررسی کنند، ادعاها را بسنجند و به درک عمیق تری از واقعیت برسند.

جنگ دوازده روزه، نمادی از همین نبرد روایت هاست؛ و دانش آموزان با مشارکت در این مرحله می آموزند که تنها با تحلیل، تفکر و شناخت دقیق میتوان در برابر تحریف ها ایستاد و حقیقت را روایت کرد. این گذر از گذشته تا امروز، نه تنها پیوندی تاریخی است بلکه تمرینی برای تربیت نسلی آگاه، تحلیلگر و مسئول در برابر روایت های جهانی است.

گام اول بازی هفت سنگ: تحریف نیت دشمن

هدف این مرحله، آموزش سواد رسانه ای و تشخیص تحریف در نیت دشمن بود؛ اینکه دانش آموزان یاد بگیرند: دشمن ممکن است خود را خیرخواه نشان دهد. قضاوت درست، نیازمند بررسی شواهد است نه اعتماد به شعار این مرحله آغاز ورود دانش آموز به میدان جنگ روایت ها بود.

دانش آموزان به این نتیجه رسیدند که: ادعای «کمک به مردم» با واقعیت جنایت ها همخوانی ندارد. حقیقت، با بررسی شواهد آشکار میشود. با افشای این دروغ، اولین سنگ دشمن فرو ریخت و بازی هفت سنگ رسما آغاز شد.

گام دوم بازی هفت سنگ: جنگ روایت رهبر

هدف از طراحی این مرحله، خنثی سازی یکی از خطرناکترین شایعات جنگ روانی یعنی بی سرشدن نظام و فرار رهبر بود. در این مرحله دانش آموز باید به این فهم برسد که:

در بحران های بزرگ، «حضور و فرماندهی» مهمتر از هیاهوی رسانه ای است و ثبات یک کشور، به پیوستگی رهبری، مردم و نیروهای مسئول وابسته است.

نتیجه کلان این مرحله آن است که دانش آموز درک کند: نظام تصمیم گیر و فرماندهی کشور نه تنها فرو نریخته، بلکه با آرامش و اقتدار اداره شده است.

گام سوم بازی هفت سنگ: تفرقه اندازی

هدف از طراحی این مرحله، آشکار کردن یکی از پیچیده ترین و خطرناکترین ابزارهای جنگ روانی دشمن، یعنی تبدیل اختلاف نظرهای طبیعی به تفرقه و گسست اجتماعی است.

در این مرحله دانش آموز به این فهم می رسد که:

دشمن برای تضعیف یک کشور، ابتدا تلاش میکند اعتماد مردم به یکدیگر را از بین ببرد. اختلاف سلیقه، سبک زندگی و دیدگاه سیاسی، به خودی خود تهدید نیست؛ تهدید زمانی شکل می گیرد که این تفاوت ها به دشمنی و جدایی تبدیل شوند.

در پایان این مرحله، دانش آموزان به چند فهم کلیدی دست پیدا میکنند: تفرقه، یک واقعیت

طبیعی نیست؛ یک پروژه روانی است. دشمن با برجسته سازی تفاوت ها، به دنبال شکستن انسجام اجتماعی است. اختلاف نظر می تواند مدیریت شود، اما تفرقه اگر شناخته نشود، مخرب است. وحدت آگاهانه، مهمترین مانع پیشروی جنگ روانی دشمن است.

گام چهارم بازی هفت سنگ: جنگ اقتصادی

هدف از طراحی این مرحله، آگاه سازی دانش آموز نسبت به یکی از مهمترین ابزارهای جنگ ترکیبی یعنی جنگ اقتصادی و القای کمبود بود.

در این مرحله دانش آموز باید به این فهم برسد که:

گرانی الزاما به معنای فروپاشی اقتصادی نیست و «کمبودسازی ذهنی» می تواند خطرناک تر از کمبود واقعی باشد. نتیجه کلان این مرحله آن است که دانش آموز درک کند که دشمن تلاش کرده با ترساندن مردم از خالی شدن قفسه ها، بحران روانی ایجاد کند، اما این هدف محقق نشده است. کمبود واقعی با کمبود القایی تفاوت دارد. مدیریت، همدلی و انسجام می تواند فشار اقتصادی را مهار کند ترس، بزرگترین ابزار دشمن در جنگ اقتصادی است.

گام پنجم بازی هفت سنگ: جنگ تصویر و رسانه

هدف از بازی زیبای هفت سنگ بخصوص در این مرحله حساس نشان دادن واقعیت فضای مجازی و اخبار رسانه ای بود. دشمن با استفاده از بکارگیری تمام قوای رسانه ای خود سعی در تحریف افکار عمومی، بزرگ نمایی خود و نشان دادن ضعف و تحقیر حرکت بزرگ نظامی ما را داشت که در همان ابتدایی کار با شکست بزرگ رسانه ای روبه رو شد.

در پایان این مرحله، مشخص شد که ادعای دشمن مبنی بر اینکه آنان مراکز حساس ما را زدند و ما فقط بیابان ها را هدف قرار دادیم پوچ و بی اثر بوده است. چراکه حجم پرتاب موشک های نقطه زن ایران و اصابت دقیق و باکوچکترین خطای اکثر موشک های ما راه را بر شایعات کذب و اخبار دروغ رسانه ای و فضای مجازی بست و شبکه های بین المللی در نهایت مجبور به نشان دادن حجم ویرانی های اسراییل در اثر نقطه زنی موشک های ایرانی شدند.

گام ششم بازی هفت سنگ: جنگ تکنولوژی و توان دفاعی

هدف از طراحی این مرحله، شکستن تصور «برتری مطلق تکنولوژیک دشمن» و رساندن دانش آموز به این فهم بود که: پیشرفت فناورانه فقط به واردات و حمایت قدرتهای بزرگ وابسته نیست و خودکفایی، دانش بومی و تجربه میدانی می تواند پیشرفته ترین فناوری ها را به چالش بکشد. در پایان این مرحله، دانش آموزان به چند فهم کلیدی دست پیدا میکنند:

تکنولوژی برتر، فقط محصول ثروت نیست؛ نتیجه دانش، اراده و تجربه است. تحریم میتواند به عامل خودکفایی و نوآوری تبدیل شود. اعتماد به توان داخلی، پایه قدرت ملی است.

گام هفتم بازی هفت سنگ: پایان جنگ

هدف از طراحی این مرحله، جمع بندی نهایی جنگ روایتها و رساندن دانش آموز به این فهم بود که: پیروزی همیشه به معنای اشغال خاک نیست و در نبردهای امروز، شکست یا پیروزی با منطق، روایت و اراده مشخص میشود. در این مرحله دانش آموز باید به یک نتیجه کلان می رسید: اینکه ایران نه تنها شکست نخورده، بلکه دشمن را وادار به عقب نشینی کرده است.

در پایان این مرحله، دانش آموزان به چند فهم کلیدی دست پیدا میکنند:

شکست واقعی، از دست دادن اراده و اتحاد است، نه توقف جنگ. پیروزی ایران حاصل ایستادگی، آگاهی و همدلی بوده است. جنگ روایت ها با تحلیل و عقلانیت قابل شکست است.







بخش پایانی: نمایش دستاوردهای انقلاب و پیوند آن با امنیت

هدف

هدف از طراحی این بخش، تکمیل مسیر تربیتی پروژه و رساندن دانش آموز به این فهم نهایی بود که: دستاوردهای انقلاب اسلامی صرفاً شعار یا ادعا نیستند، بلکه نتیجه ی مستقیم ایستادگی،

مقاومت و امنیت پایدار کشورند. در این مرحله، دانش آموز باید متوجه میشد که اگر امنیت نباشد، هیچکدام از این پیشرفت ها امکان شکل گیری و تداوم ندارند.

نتیجه تربیتی

نتیجه تربیتی این بخش دانش آموزان فهمیدند امنیت، یک مفهوم انتزاعی یا بدیهی نیست بلکه زیربنای همه پیشرفت ها، آزادی ها و دستاوردهای کشور است و حفظ آن نیازمند آگاهی، اتحاد و قدردانی از مدافعان امنیت است این بخش، پیوند نهایی میان انقلاب، مقاومت، پیروزی و امنیت را برای دانش آموزان روشن کرد و پروژه را به یک نتیجه تربیتی کامل رساند.





ادامه پروژه در شرایط جنگ تحمیلی سوم و برپایی کلاس ها در بستر مجازی

یادگیری و تربیت هیچوقت تعطیلی بردار نیست، حتی در سخت ترین شرایط. وقتی مدرسه ها مجازی شدند و جنگ تحمیلی سوم شروع شد، رسالت ما به عنوان معلم نه تنها کم نشد، بلکه چند برابر سنگین تر شد. چون دیگر دانش آموزها با چشم خودشان دارند واقعیت رو می بینند و لمس می کنند. پس وظیفه ما این است که ارزش هایی مثل ایثار، فداکاری، اتحاد، مقاومت، شهادت و امنیت را به زبان امروز منتقل کنیم و ما هم با توکل به ائمه معصومین و شهدا، این پروژه را ادامه دادیم.

در ادامه تعدادی از برنامه ها و فعالیت های معلمان دبستان آمده است:

۱. با شروع حمله دشمن به ایران و تعطیلی مدارس، در گروه مجازی مدرسه ختم صلوات برای سلامتی رهبر معظم انقلاب و مردم عزیز کشورمان گذاشتیم. هر دانش آموز تعداد صلواتهایش را برای معلم میفرستاد. این صلواتها فقط ذکر نبود بلکه تمرین مقاومت بود.

۲. با اعلام خبر شهادت قائد انقلاب اسلامی ایران و تعطیلی مدارس، تلاش ما این بود که در مسیر تعلیم و تربیت حداکثر توانمان را بگذاریم و در مسیر مقاومت ذره ای فروگذار نباشیم.

اولین قدم، پویش «مشت گره‌کرده» بود. از دانش‌آموزان خواستیم همراه خانواده‌هایشان عکسی بگیرند و مشت‌های گره‌کرده‌شان را به اشتراک بگذارند.

۳. روایت قصه‌های ادامه‌دار از زندگینامه رهبر شهیدمان بود. در سحرهای ماه مبارک رمضان، قصه‌های صوتی را در گروه مجازی کلاس می‌گذاشتم تا دانش‌آموزان گوش دهند و در پایان ماه، مسابقه‌ای از همین قصه‌ها برگزار کردیم. هر سحر، یک پنجره به زندگی مردی بود که تا آخرین لحظه ایستاد.

۴. نوشتن دلنوشته به یاد شهدای دانش‌آموز و خاطره‌گویی از ماه رمضان بود. از دانش‌آموزان خواستیم قلم بگیرند و برای همسن و سال‌های شهیدشان بنویسند؛ برای آنهایی که جایشان سر کلاس خالی بود. هر دلنوشته، یک مشت گره‌کرده بود روی کاغذ.

۵. حضور در میدان راهپیمایی روز قدس با خانواده، با لباس فرم مدرسه و کوله‌پشتی‌هایی که به یاد شهدای دانش‌آموز مدرسه شجره طیبه میناب بسته شد. صبح جمعه، خیابان‌ها پر شد از دانش‌آموزانی که لباس فرم پوشیده بودند، انگار که به مدرسه می‌روند. اما این بار، مدرسه‌شان خیابان بود و کلاسشان، راهپیمایی.

۶. برگزاری چالش کلاسی «یاد رهبر عزیز شهیدمان» بود. در شهری که اوضاع جنگی آرام بود و منطقه سفید محسوب میشد، با درخواست خانواده‌ها، کلاس حضوری را در خانه یکی از دانش‌آموزان برگزار کردیم.

۷. بیعت با رهبر جدید انقلاب اسلامی ایران: در روزهایی که دشمن با حمله ناجوانمردانه، مدارس را به تعطیلی کشاند، اما مقاومت ما تعطیل بردار نبود. در کلاسهای حضوری که در خانه‌های دانش‌آموزان برگزار می‌کردیم، بچه‌ها با رهبر جدیدشان بیعت کردن.

۸. برگزاری مراسم روز دختر به یاد دانش‌آموزان دختر شهید مدرسه میناب همراه با روایتگری از زندگی و آرزوهای دختران شهید.

۹. حضور پرشور معلمان دبستان در تجمعات شبانه: برای تشویق دانش‌آموزان، عکس‌هایی از حضور معلمان در میدان شهر را در گروه‌ها منتشر کردیم تا هم به حضور در این جمع‌های پرشور ترغیب شوند، هم برای درست کردن پلاکارد و آمدن به میدان با پرچم ایران انگیزه بگیرند.

۱۰. تمرین سرودهای حماسی با دانش‌آموزان و اجرای چندین سرود پرشور در میدان شهر، در دل تجمعات شبانه مردم. این اجراها نمادی از مقاومت، همدلی و عشق به میهن بود.

۱۱. برپایی موکب فرهنگیان در میدان شهر: با استقرار همکاران فرهنگی دبستان در موکب، به یاد رهبر شهیدمان و شهدای میناب، برنامه‌های متنوع فرهنگی و تربیتی اجرا میشود:

- حضور در تجمعات شبانه میدان برای رفع اشکال دروس مختلف پایه‌های دبستان.

- دانش‌آموزان دلنوشته‌هایی برای دختران میناب، رهبر شهید، رهبر انقلاب و ایران، روی پروانه‌ها نوشتند و آنها را بر نقشه ایران چسباندند.
- فضاسازی و بازسازی کلاس درس به مناسبت اربعین دانش‌آموزان مدرسه شجره طیبه میناب و روشن کردن شمع به یاد آن عزیزان.
- بازی و سرگرمی برای دانش‌آموزان همراه با تهیه جایزه.
- تهیه کاربرگ‌های نقاشی برای رنگ‌آمیزی تصاویر رهبر شهید و دختران میناب.

۱۲. در شب میلاد امام مهربانی‌ها، حضرت علی بن موسی الرضا(ع)، جشن و مراسم‌های پرشوری در میدان شهر برگزار شد، از جمله کارهایی که انجام شد:
- بسته‌بندی تنقلات برای دانش‌آموزان، به نیت شیرینی محبت امام رضا(ع).
- ترسیم پنجره فولاد امام رضا(ع) در شب میلاد، نمادی از پناهگاه امن مؤمنان و استواری در برابر سختی‌ها.
- گره زدن روبانهای سبز، سفید و قرمز توسط دانش‌آموزان بر پنجره فولاد؛ هر روبان، پیوندی از ایمان، ایثار و میهن‌دوستی.
- هدیه سلام و صلوات به آقا امام رضا(ع)، با نیت پیروزی اسلام، سربلندی ایران عزیز و نابودی دشمنان.

۱۳. مراسم قرائت زیارت عاشورا به مناسبت سالگرد رئیس جمهور عزیز شهیدمان و برای شادی روح رهبر عزیز شهیدمان و رئیس جمهور شهیدمان.

۱۴. از محله تا میدان، از «یا علی» تا غدیر: گروه مجازی «یا علی» شکل گرفت و دانش‌آموزان محله یکی یکی دعوت شدند تا در گروه سرود عضو شوند. قرار بود برای عید ولایت آماده شوند و در تجمعات شبانه شهر، صدایشان را به گوش همه برسانند.

خانواده‌ها اما فقط تماشا نکردند. دست به دست هم دادند، هزینه جمع کردند، هدیه خریدند و در شب عید غدیر، در میدان شهر توزیع کردند. بچه‌ها هم با شور و شوق سرود خواندند و لبخند را به لب مردم آوردند.

۱۵. شرکت خودجوش دانش‌آموزان در پویش‌های مختلف شهرستان که در ایام جنگ تحمیلی برگزار میشود. از جمله:
- پویش عکس حضور در تجمعات شبانه
- پویش وطن دوستانه شاهنامه خوانی
- مسابقه قصه نویسی ماموریت ماکان
- پویش رجز خوانی هفت خان رستم



نمونه تصاویر کارهای انجام شده









رهبر شهید









